

اعتبارسنجی رهیافت‌های کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن*

محمد خامه‌گر**

حسن نقی‌زاده (نویسنده مسؤول)***

محمدعلی رضایی کرمانی****

چکیده:

در میان مفسرانی که به وجود غرض واحد در هر سوره اعتقاد دارند، دو رویکرد توصیفی و استدلالی برای شناسایی غرض سوره وجود دارد. در رویکرد استدلالی، مفسر تلاش می‌کند با تکیه بر شواهد درون‌متنی و برون‌متنی، غرض سوره را کشف نموده، کیفیت راهیابی خود را به غرض سوره به‌طور مستدل و ضابطه‌مند بیان نماید. مفسرانی که برای کشف استدلالی غرض سوره‌ها تلاش کرده‌اند، از شش رهیافت مختلف در این مسیر استفاده کرده‌اند. در این نوشتار نگارنده تلاش می‌کند با ارزیابی و اعتبارسنجی رهیافت‌های مختلف، میزان اعتبار هر رهیافت را در فرآیند کشف غرض سوره مشخص نماید و در انتها رهیافتی جامع برای کشف غرض سوره‌های قرآن پیشنهاد می‌نماید.

کلیدواژه‌ها:

هدفمندی سوره‌ها/ روش‌ها/ غرض سوره/ ارتباط آیات

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱۸، تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۳/۲۴.

khamegar@gmail.com

** دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

naghizadeh@um.ac.ir

*** دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

rezai@um.ac.ir

**** دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

یکی از رویکردهای انسجام سوره‌ها که در سده اخیر مورد توجه ویژه مفسران و قرآن‌پژوهان واقع شده است، نظریه پیوستگی موضوعی و ساختاری سوره است. بر اساس این نظریه، با دقت و ژرف‌اندیشی روشمند در محتوای سوره‌های قرآن، می‌توان موضوعات به‌ظاهر پراکنده‌ای را که در هر سوره مطرح شده است، حول یک محور واحد ساماندهی کرد و بر مبنای آن، محور سوره را فصل‌بندی نموده و ساختاری واحد برای آن طراحی نمود. رویکرد نگرش ساختاری به سوره‌ها، واکنشی انتقادی به رهیافت سنتی در نگرش خطی به ارتباط آیات در سوره‌هاست.

در میان مفسرانی که به وجود محور واحد یا غرض اصلی سوره اعتقاد دارند، دو رویکرد توصیفی و استدلالی برای شناسایی غرض سوره وجود دارد. در رویکرد توصیفی، مفسر با مطالعه آیات هر سوره، تلاش می‌کند با روح حاکم بر سوره ارتباط برقرار نموده و موضوعی را که در جای‌جای سوره به آن اشاره شده و سوره تأکید بیشتری بر آن دارد، با عبارتی کلی به‌عنوان غرض سوره مشخص نماید. مثلاً محمدعلی صابونی در تفسیر «قبس من نور القرآن الکریم» درباره غرض سوره «جن» با توجه به موضوعات مختلفی که در این سوره درباره جن‌ها مطرح شده، می‌گوید:

«فضای کلی سوره به ما می‌فهماند که موضوع سوره در مورد جن است.» (صابونی،

۱۰۹/۸)

در این رویکرد، مفسر موضوع یا مطلبی را که از نظر او از برجستگی و اهمیت بیشتری در مجموع سوره برخوردار بوده است، به‌عنوان غرض سوره معرفی می‌کند. این رویکرد دو اشکال مهم دارد: نخست آنکه غرض کشف شده بیش از اندازه کلی است، و دوم آنکه فرآیند کشف غرض ضابطه‌مند نیست و بیشتر تابع گرایش مفسر و برداشت کلی او از سوره است.

اما در رویکرد استدلالی، مفسر تلاش می‌کند با تکیه بر شواهد درون‌متنی و برون‌متنی، غرض سوره را کشف نموده، کیفیت راهیابی خود را به غرض سوره به‌طور مستدل و ضابطه‌مند بیان نماید. رایج‌ترین رهیافت‌های کشف غرض سوره در میان مفسرانی که با رویکرد استدلالی به کشف غرض سوره‌های قرآن پرداخته‌اند، به شرح زیر است.

رهیافت اول: کشف غرض از طریق دسته‌بندی روشمند آیات

مطمئن‌ترین رهیافت برای کشف غرض یک سوره، بررسی سیاق سوره و دسته‌بندی روشمند آیات آن است. مفسرانی که از این رهیافت استفاده کرده‌اند، ابتدا بر اساس ارتباط لفظی، معنایی و اسلوبی آیات، آنها را به دسته‌های مختلف تقسیم کرده و سپس با توجه به محتوای هر دسته، با تکیه بر مطلب کانونی آن، عنوانی را برای هر دسته از آیات مشخص می‌کنند و در نهایت با جمع‌بندی عناوین سیاق‌ها به صورت روشمند، غرض اصلی سوره را کشف می‌نمایند. بیشتر قرآن‌پژوهانی که در این وادی گام نهاده‌اند، سعی نموده‌اند به راه‌های مختلف به دسته‌بندی آیات سوره اقدام نمایند و با توجه به کلی یا جزئی بودن هر دسته، برای آن اصطلاحی را جعل نمایند. مثلاً سیدین قطب دسته‌بندی‌های خود را با عناوینی مانند لحمه، موج، قطاع، شوط، جوله، خط، شطر، حلقه، فقره، درس و حتی مشهد نام‌گذاری می‌کند (سیاوشی، ۱۳۴).

از دیدگاه فراهی و اصلاحی نیز هر سوره دارای یک عمود یا مضمون محوری است که محتوای کل سوره پیرامون آن می‌چرخد. رهیافت فراهی و اصلاحی برای تعیین عمود یک سوره این است که ابتدا با مرور اجمالی آیات سوره، نقاط عطف سوره به لحاظ موضوعی شناسایی و سپس سوره به چند بخش مجزا تقسیم می‌شود. هر بخش باید به دقت مطالعه شود تا ایده اصلی که آیات هر بخش را به هم پیوند می‌دهد، به دست آید. در مرحله بعد کوشش می‌شود مضمون جامع و اصلی که همه بخش‌های سوره ذیل آن قرار می‌گیرد، کشف شود؛ به گونه‌ای که در همه آیات سوره از ابتدا تا انتها قابل تسری باشد. چنانچه این مضمون مرکزی بتواند همه سوره را در قالب کلی منسجم قرار دهد، به عنوان عمود سوره پذیرفته می‌شود (آقایی، ۷۵).

سعید حوی در «الاساس فی التفسیر» نیز برای نشان دادن وحدت موضوعی در سطح آیه‌ها، هر سوره را به چند قسم و هر قسم را به چند مقطع و هر مقطع را به چند فقره و هر فقره را به مجموعه‌ای از آیات تقسیم کرده است و مقاصد هر سوره را در هر یک از این بخش‌ها واکاویده است؛ معمولاً هر سوره مقدمه و خاتمه نیز دارد. ملاک این تقسیم‌بندی‌ها، نشانه‌ها و شواهد لفظی و صوری است. مثلاً در تقسیم‌بندی آیات سوره احزاب، آیات سوره را به ده مقطع تقسیم کرده و ملاکش عبارت «یا ایها» در آغاز هر مقطع است (حوی، ۸/۴۳۸۳). یا در ضمن تقسیم‌بندی قسم نخست سوره انعام، از

تکرار ضمیر «هو» در ابتدای آیات به‌عنوان نشانه آغاز و پایان مقاطع این قسم بهره گرفته است. البته متذکر شده است که در مواردی که این نشانه‌ها در اختیار نیست، از علائم معنوی سود جسته است (همان، ۱۵۶۷/۳). حوی در جای‌جای کلام نیز با عبارت «کلمة فی السیاق»، تلاش می‌کند بین این عناوین ارتباط برقرار کند (همان، ۳۱/۱).

علامه طباطبایی نیز در تفسیر تمامی سوره‌ها، آیات هم‌سیاق را کنار یکدیگر قرار می‌دهد و به موضوعاتی که در هر دسته وجود دارد، اشاره می‌کند. این دسته‌ها به جهت شمول تعداد آیات متفاوت‌اند؛ هر دسته ممکن است از یک تا قریب ۵۰ آیه یا بیشتر داشته باشد. علامه در دسته‌بندی آیات، به ارتباط لفظی و معنایی و حتی اسلوبی آیات توجه دارد، اما معیار اصلی علامه در تقسیم‌بندی آیات سوره، سیاق معنایی آنهاست. مثلاً ایشان درباره غرض سوره حاقه می‌گوید:

«این سوره درباره «قیامت» است و اگر در این سوره آن را «حاقه» نامیده‌اند، برای

این است که قیامت روزی است حق و ثابت و غیرقابل تخلف و تردیدناپذیر.»

آن‌گاه برای آنکه نشان دهد که در این سوره چگونه به توصیف ویژگی حقانیت و حتمی بودن قیامت پرداخته شده، مجموع آیات آن را به سه دسته تقسیم نموده و می‌گوید:

«آیات این سوره سخن را در سه فراز سوق داده. در فصل نخست (آیات ۱ تا ۱۲)

به‌طور اجمال سرانجام امت‌هایی را ذکر می‌کند که منکر قیامت بودند و خدای تعالی

آنان را به عقوبتی شدید عذاب کرد. در فصل دوم (آیات ۱۳ تا ۳۷) اوصاف حاقه را

بیان می‌کند و اینکه در آن روز، مردم دو گروه‌اند: یکی اصحاب یمین و یکی

اصحاب شمال؛ یکی اهل سعادت و دیگری اهل شقاوت. و در فصل سوم (آیات ۳۸

تا ۵۲) در راستی و درستی خبرها و سخنان قرآن تأکید نموده، آنها را حق‌الیقین

معرفی می‌کند.» (طباطبایی، ۳۹۲/۱۹)

از مفسران دیگری که به رهیافت دسته‌بندی آیات برای کشف غرض توجه نموده‌اند، می‌توان به افرادی مانند بقاعی در تفسیر «نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور»، محمد طاهر بن عاشور در تفسیر «التحریر و التئور»، ابوالاعلی مودودی در تفسیر «تفهیم القرآن»، عبدالله محمود شحاته در «اهداف کل سورة و مقاصدها فی القرآن الکریم»، سید محمدباقر حجتی و عبدالکریم بی‌آزار شیرازی در «تفسیر کاشف»،



محمدتقی مدرسسی در تفسیر «من هدی القرآن»، وهبة بن الشيخ مصطفى الزحیلی در تفسیر «المنیر فی العقیة والشریعة و المنهج»، دکتر محمود بستانی در «التفسیر البنائی للقرآن الکریم» و محمدحسین الهی‌زاده در کتاب «تدبر در قرآن» نام برد.

در این میان، تنها کسی که به شکل دقیق و مستدل به دسته‌بندی آیات سوره توجه داشته و این رهیافت را به سبکی کاملاً علمی و روشمند تبدیل نموده است، محمدحسین الهی‌زاده، نویسنده کتاب «تدبر در قرآن» است. وی با روشمند نمودن فرآیند کشف غرض سوره‌ها، گامی مهم در گسترش و اتقان رویکرد وحدت موضوعی سوره‌ها در مجامع علمی ایران برداشته است. ایشان برای کشف استدلالی غرض هر سوره، این مراحل را طی می‌نماید: ابتدا معنای تدبری سوره را که بیانگر مفهوم هر آیه و ترجمه روان آن است، بیان می‌کند. در گام دوم با توجه به ارتباط لفظی و معنایی آیات با یکدیگر، سیاق‌های سوره را مشخص کرده و دلایل تشکیل هر سیاق را بیان می‌کند. در گام سوم با توجه به جهت‌گیری هر سیاق، به‌عنوان گذاری آنها می‌پردازد. و در انتها با جمع‌بندی عناوین سیاق‌ها، غرض سوره را کشف می‌کند (الهی‌زاده، ۱۱۶).

نقد و بررسی

رهیافت دسته‌بندی روشمند آیات، مطمئن‌ترین راه برای کشف غرض سوره است، اما برای استفاده از این رهیافت، لازم است به سه نکته توجه نمود: نخست آنکه برای دسته‌بندی آیات، به ارتباط لفظی و معنایی آنها به‌طور همزمان توجه نمود و به بهانه اهمیت دادن به جهت‌گیری محتوای آیات، از ارتباط لفظی آنها غفلت نکرد.

دوم آنکه طرفداران این رهیافت باید قواعد دقیقی برای تعیین غرض سیاق‌های سوره ارائه کنند تا با یافتن مطلب کانونی هر سیاق، از فروغلتیدن به وادی تذوق و سلیقه‌گرایی اجتناب نمایند. بیشتر مفسرانی که به این رهیافت توجه داشته‌اند، در رعایت این نکته دقت لازم را به خرج نداده‌اند و عناوینی بسیار کلی و چند وجهی را برای بیان غرض هر سیاق مطرح کرده و قواعد خاصی برای بیان غرض سیاق بیان نکرده‌اند.

سوم آنکه طرفداران این رهیافت در جمع‌بندی غرض سیاق‌ها و کشف غرض سوره نیز باید قاعده‌مندتر عمل کنند. به جرأت می‌توان گفت مهم‌ترین نقص موجود در تفاسیری که از رهیافت دسته‌بندی آیات استفاده کرده‌اند، عدم رعایت همین نکته است،

در نتیجه هنگام بیان غرض سوره، یا امور بسیار کلی را به‌عنوان غرض سوره معرفی کرده‌اند، و یا آنکه تنها به غرض یک سیاق توجه نموده‌اند.

یکی از قواعدی که در کشف غرض باید بدان توجه نمود، این است که پس از جمع‌بندی غرض کلام‌ها، باید این غرض را با استفاده از سایر قراین و شواهد برون‌متنی و درون‌متنی، ارزیابی و آن را تقویت نمود. مثلاً آن را به آیات نخست و پایانی سوره نیز عرضه نمود و یا غرض کشف شده را با توجه به تکرار معنادار واژگان کلیدی و مضامین پرتکرار بیان نمود. مفسرانی مانند علامه طباطبایی در شناسایی غرض برخی از سوره‌ها به این قاعده توجه کرده‌اند، اما این قاعده را به‌عنوان یک اصل اساسی در همه سوره‌ها رعایت ننموده‌اند.

رهیافت دوم: کشف غرض از طریق حذف استطرادها

یکی از رهیافت‌هایی که برای کشف غرض و پیام اصلی سوره‌ها پیشنهاد شده، این است که محقق با دقت در ارتباط آیات هر سوره، تلاش کند مطالب اصلی سوره را از مطالب فرعی و استطرادی جدا کند، آن‌گاه با بررسی کیفیت جهت‌گیری مطالب اصلی سوره، به کشف پیام اصلی آن پردازد. این رهیافت توسط دکتر ایرج گلجانی امیرخیز در کتاب «انگرش سیستمی به ساختار سوره‌های قرآن» پیشنهاد شده است. وی برای تبیین این رویکرد، ابتدا مراد خود را از پیام اصلی سوره بیان کرده و می‌گوید:

«پیام اصلی سوره همان خط محوری است که در سراسر یک سوره به شکل متصل و منقطع حضور دارد و سنگینی باری که سوره به دوش می‌کشد، در غرض اصلی آن سوره نهفته است.» (گلجانی امیرخیز، ۱۶۹)

سپس با اشاره به اسلوب بیانی قرآن کریم می‌افزاید:

«شیوه حاکم بر عرضه موضوعات و آیات در سور قرآنی قاعده استطراد است. استطراد آن است که گوینده به‌خاطر وجود مناسبتی در سخن، به آرامی از موضوع اصلی، کلام را انتقال داده و پس از تشریح و بیان آن، به موضوع اصلی سخن باز گردد و این شیوه را با حفظ تنوع و تازگی ارائه مطالب، بدون آنکه به پریشان و پراکنده‌گویی گرفتار شود، ادامه دهد. فهم پیام اصلی گوینده، مرهون کشف استطرادها و جداسازی اجمالی آنها از هدف اصلی می‌باشد؛ هدفی که گاه و بیگاه در پس استطرادها رخ پنهان

می‌نماید و پس از زمانی کم یا زیاد، پرده از رخسار بیرون می‌کشد.» (همان، ۱۷۰)

دکتر گلجانی برای آنکه رهیافت حذف استطرادها در جهت ترسیم پیام اصلی سوره را تبیین کند، در ادامه به استخراج پیام اصلی سوره‌های بقره، آل عمران، نساء و یونس می‌پردازد. برای نمونه، روش ایشان در کشف پیام اصلی سوره بقره را ارائه می‌کنیم.

به نظر ایشان، آغاز سخن در سوره بقره آیه دوم آن است و طلیعه سوره بر اساس دو نکته مهم، یعنی «کتاب و هدایت» بنا گذاشته می‌شود و از آیه سوم، استطراد به مناسبت وصف متقین آغاز شده و در آیات بعد با وصف کفار و منافقین، این استطراد تداوم می‌یابد. به همین ترتیب ۳۴ آیه در سوره بقره که درباره مسأله کتاب و هدایت است، خط سیر اصلی سوره بقره را تشکیل می‌دهد. جانمایه این مجموعه را می‌توان در خطوط زیر ترسیم نمود:

قرآن کتاب هدایتگر بوده و برای اثبات الهی بودنش تحدی می‌نماید (آیات ۲۳ و ۲۴). دعوت بنی‌اسرائیل برای ایمان به قرآن و پیامبر ﷺ و سرزنش آنها نسبت به عدم فرمانبرداری از دستورات تورات (آیات ۴۱ و ۴۴).

قطع طمع مسلمانان از ایمان آوردن یهود و اشاره به دو گروه از یهود: یهودیان امی که از کتاب آسمانی خود چیزی نمی‌دانند و گروهی که به تحریف حقایق تورات، دست خود را آلوده می‌کنند (آیات ۷۵، ۷۸ و ۷۹).

اشاره تاریخی به مخالفت بنی‌اسرائیل با انبیا و حتی دشمنی کودکانه آنها با جبرئیل امین و خودمداری آنها و انکار عامدانه نشانه‌های پیامبر در تورات و انکار متقابل یهود و نصارا یکدیگر را (آیات ۸۷ تا ۹۱ و آیات ۹۷، ۹۹، ۱۰۱).

پاسخ به طعنه‌های یهود درباره فلسفه نسخ در قرآن کریم به‌خاطر تغییر قبله (آیه ۱۰۶).

اشاره به اهل کتاب مؤمن و صادق و یادآوری ریشه مشترک تاریخی ادیان، یعنی وجود مقدس حضرت ابراهیم و خبر استجابت دعای آن حضرت درباره بعثت رسول اکرم (آیات ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۹، ۱۳۶، ۱۴۶، ۱۵۱).

بیان گناه کتمان آیات الهی و اینکه دین خدا ذاتاً وحدت‌بخش است و تفرقه‌ها به بغی و روحیه تجاوزطلبی مربوط است و نه به تعلیمات ادیان الهی (آیات ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶).

نیکی واقعی در اتصاف به ارزش‌های الهی است، نه به صورت مناسک خشک (آیه ۱۷۷).

دین اسلام ذاتاً آسان‌گیر است و نه سخت‌گیرانه و خارج از تحمل انسان (آیه ۱۸۵). ایمان همه‌جانبه به خدا و به همه انبیا و کتب و ملائکه و تسلیم اراده ذات احدیت بودن (آیات ۲۱۳ و ۲۸۴).

با جمع‌بندی پیام‌های فرعی فوق به این نتیجه می‌رسیم که پیام محوری سوره بقره عبارت است از ارائه حقانیت، استقلال و ناسخیت دین اسلام نسبت به ادیان سالفه و دعوت به آن برای ایجاد تمدنی نوین (همان، ۱۷۴).

نقد و بررسی

زیربنای نظریه حذف استطرادها در راستای کشف پیام اصلی سوره، یک اصل عقلایی است که در محاورات عرفی کاملاً پذیرفته شده است. بر اساس این اصل، هر متن مکتوب و سخن شفاهی از یک سری مباحث اصلی و مجموعه‌ای از مباحث فرعی تشکیل شده است که مباحث فرعی به‌منظور تشریح و توضیح مباحث اصلی مطرح می‌شوند. از این رو برای تشخیص پیام اصلی یک متن، نباید برای همه عبارات و جملات آن ارزش یکسان قائل شد، بلکه باید تلاش خود را بر تشخیص محورهای اصلی کلام و تحلیل محتوای آنها متمرکز کرد تا با سرعت و دقت بیشتری به نقطه مرکزی کلام دست یافت.

چالش اصلی در فرآیند به‌کارگیری این رهیافت برای کشف پیام اصلی سوره، دو نکته مهم است که متأسفانه در نظریه فوق نادیده گرفته شده است. مسأله نخست اصول و قواعد شناسایی آیات اصلی از فرعی است، و مسأله دوم کیفیت جمع‌بندی و تحلیل آیات اصلی و استخراج پیام سوره از آن.

دکتر گلجانی امیرخیز برای شناسایی آیات اصلی سوره بقره، به‌جای آنکه با تکیه بر قواعد زبان‌شناسی، به شناسایی عبارات محوری سوره بپردازد، با یک تحلیل ساده از آیات نخست سوره بقره اعلام می‌کند که چون آیه نخست این سوره در رابطه با «هدایت و کتاب» است، در نتیجه آیات اصلی و محوری سوره بقره آیاتی هستند که به‌گونه‌ای با این دو محور مرتبط هستند. سپس به جمع‌آوری و فهرست‌بندی آیات

مذکور می‌پردازد. در حالی که اقتضای قواعد تحلیلی زبان‌شناسی و اصول عقلایی محاوره این است که هر آیه‌ای که به طرح یک موضوع جدید و فاقد ارتباط با آیات قبلی می‌پردازد، آیه اصلی باشد و آیاتی که مسائل جانبی و مرتبط با آن را مطرح می‌کند، آیات فرعی و استطرادی باشند. مثلاً آیه ۲۶۱ سوره بقره ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ که پس از داستان چهار مرغ حضرت ابراهیم آمده است، ابتدای یک بحث جدید درباره اهمیت و ضرورت انفاق است که باید یک آیه اصلی قلمداد شود و آیات ۲۶۲ تا ۲۷۴ که به شرح این آیه می‌پردازند، آیات فرعی و استطرادی محسوب گردد. اما این آیات در فهرست ایشان به‌طور کامل از قلم افتاده است. به‌نظر می‌رسد اگر این رهیافت با دقت بیشتری تبیین شده و اصول و قواعد علمی آن به خوبی کشف و ارائه گردد، با استفاده از آن بتوان فصل جدیدی در قواعد راهیابی به غرض اصلی سوره باز نمود.

رهیافت سوم: کشف غرض از طریق تحلیل عناصر متنی سوره

هر متنی از سلسله‌ای از جملات و اجزاء که به‌طور متوالی آرایش یافته‌اند، ساخته شده تا خواننده با دنبال کردن آن، معنا یا پیام خاصی را استنباط نماید. همین وجه معنایی متن است که آن را از مجموعه‌ای جملات که به‌طور تصادفی در کنار هم قرار گرفته باشند، متمایز می‌کند (اخلاقی، ۸۲).

وابستگی متنیت متن به ابلاغ پیام خاص موجب می‌گردد که اجزای اصلی هر متنی به‌گونه‌ای طراحی گردد که هر جزء، بیانگر بخشی از پیام اصلی متن باشد و نشانه‌های آشکاری از ویژگی‌های پیام اصلی متن در آنها مشاهده شود. مثلاً اگر پیام اصلی یک متن، بیان اهمیت رعایت تقوا باشد، به‌طور طبیعی باید همه اجزای متن مانند مثال‌ها، داستان‌ها و نقل‌قول‌هایی که در متن ذکر شده‌اند، با این پیام ارتباط معناداری داشته باشند، در غیر این صورت، انسجام متن از بین رفته و نه تنها پیام‌رسانی متن را با مشکل مواجه می‌کند، بلکه اصل متنیت متن را هم زیر سؤال می‌برد.

از این قاعده زبان‌شناسی متن می‌توان به‌خوبی برای کشف پیام اصلی سوره‌ها که هر یک متن واحدی محسوب می‌شوند، استفاده کرد؛ به این ترتیب که پس از شناسایی

اجزاء و عناصر هر سوره، با توجه به ویژگی‌های متن هر عنصر، جهت‌گیری مشترک و مضامین تکرار شده در آنها را مشخص نموده و با استفاده از نکات مشترک آنها، پیام اصلی سوره را کشف نماییم.

مهم‌ترین عناصر درون‌متنی سوره که هماهنگی معناداری با پیام اصلی سوره دارند، عبارت‌اند از آیات آغازین و پایانی سوره، سوگندهای سوره، شخصیت‌های سوره و داستان‌های سوره.

یکی از عناصر متنی که در شناسایی غرض سوره مؤثر است، آیات آغازین و پایانی سوره است. ارتباط آیات ابتدایی و انتهایی سوره با غرض اصلی آن از نکاتی است که مورد توجه و عنایت برخی مفسران، از جمله سعید حوی، نویسنده «الاساس فی التفسیر» (۱۱/۶۲۶۳)، محمد البهی، نویسنده «التفسیر الموضوعی للقرآن» (ص ۶)، آیت‌الله جوادی آملی (۱۲/۶۸۵) و علامه طباطبایی بوده است. علامه طباطبایی معتقد است که جز در چند مورد استثنایی - مانند سوره مریم و توبه - در سایر سوره‌های طولانی، غرض سوره به‌عنوان براعت استهلال در ابتدا و به‌عنوان حسن ختام در انتهای آن بیان می‌گردد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۶/۷۸) و اصولاً یکی از ویژگی‌های سوره‌های قرآن این است که هر غرضی را که اوایل سوره در نظر دارد، اواخر آن نیز همان غرض را می‌رساند. آیت‌الله جوادی آملی نیز در کشف هدف سوره بقره از این قاعده استفاده کرده است.

دومین عنصر متنی که برای کشف غرض سوره مورد توجه مفسران قرار گرفته، داستان‌های سوره است. یکی از خصوصیات داستان‌های قرآنی، همسو بودن آنها با مطالب سوره و غرض اصلی آن است. حکمت تکرار داستان‌ها در قرآن نیز اصولاً به همین نکته باز می‌گردد. مثلاً داستان حضرت آدم، موسی یا نوح علیهم‌السلام گرچه در سوره‌های مختلف قرآن و با الفاظ متفاوت نقل شده است و ظاهراً همه از یک واقعیت حکایت می‌کنند، اما هر یک تنها به جنبه‌ای از این داستان اشاره دارد که با غرض سوره و موضوع اصلی آن هماهنگ است. بنابراین داستان‌های سوره مانند سایر عناصر سوره، در خدمت غرض و پیام اصلی سوره است (خامه‌گر، ۱۹۲-۱۹۱).

یکی از روش‌های آیت‌الله جوادی آملی برای دستیابی به غرض سوره، قصصی است که در سوره‌ها طرح گردیده است. ایشان غرض سوره مانده را فراخواندن به وفای به

عهدها و حفظ پیمان‌های حق و نهی بلیغ از پیمان‌شکنی می‌داند و در ادامه، بر این نکته تأکید می‌کند که در داستان‌هایی که در این سوره ذکر شده است، مانند تقاضای حضرت عیسی و داستان مائده بنی‌اسرائیل، جریان فرزندان آدم و داستان ستم‌های بنی‌اسرائیل و پیمان‌شکنی آنان، همه و همه از مواردی است که هدف سوره در آنها اشراب شده است (جوادی آملی، ۶۸۵/۱۲).

سومین عنصر متنی که در کشف غرض سوره کارایی فراوانی دارد، سوگندهای سوره است. مهم‌ترین کارکرد سوگند، تأکید کردن بر مطلبی است که به‌عنوان جواب قسم ذکر می‌شود. از این‌رو سوگندهای قرآن دلیل بر عظمت و اهمیت اموری است که به آنها سوگند یاد شده و نشانه آن است که آنچه برای آن قسم یاد شده است، جایگاه ویژه‌ای در میان عناصر تشکیل‌دهنده متن سوره داشته و بخش مهمی از انتقال پیام سوره را به‌عهده دارد. از این‌رو با مطالعه روشمند سوگندهای یک سوره، می‌توان راهی برای شناسایی پیام اصلی سوره یا تأیید غرض سوره که از طریق راهکارهای دیگر کشف شده، به دست آورد.

نقد و بررسی

برای استفاده از عناصر درون‌متنی در راستای کشف غرض، باید به این نکته مهم توجه نمود که این عناصر در همه جا و بدون قید و شرط، در فرآیند کشف غرض کارایی ندارند. برای نمونه آیات آغازین و پایانی تنها در کشف غرض سوره‌های بزرگ که دارای چندین گفتار و فصل جداگانه هستند، کاربرد دارند، اما در سوره‌های کوچکی مانند سوره ناس، توحید و عصر که تمام سوره یک گفتار را تشکیل می‌دهد، کارایی ندارند؛ زیرا آیات نخست و پایانی این سوره‌ها از خود استقلال ندارند و نمی‌توانند بیانگر پیام خاصی باشند. در سوره‌های بزرگ نیز تنها در صورتی که این آیات حکم طلوع و خاتمه سوره را داشته و پیام مشترک آنها بیانگر غرض سوره باشد، می‌توان از آنها در کشف غرض سوره استفاده نمود، اما در صورتی که آیات ابتدایی و انتهایی سوره یک گفتار جداگانه را در ساختار سوره تشکیل می‌دهند، این آیات تنها به بخشی از غرض سوره اشاره می‌کنند.

سوگندهای قرآن نیز از جهت ارتباط با پیام اصلی سوره به دو گروه تقسیم می‌شوند: نخست سوگندهایی که به کل سوره مربوط هستند، و دیگر سوگندهایی که فقط با گفتار یا فصل خاصی از سوره ارتباط دارند. معمولاً سوگندهایی که به کل سوره ارتباط دارند، سوگندهایی هستند که در ابتدای سوره‌ها قرار گرفته‌اند؛ مانند سوگندی که در ابتدای سوره قلم ذکر شده است: ﴿يَنْ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾ ما أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ﴿قلم/۱-۲﴾. از این رو نباید هر سوگندی را در سوره به‌عنوان نشانه‌ای که بر غرض سوره دلالت می‌کند، مورد توجه قرار داد.

رهیافت چهارم: کشف غرض از طریق بررسی تکرارهای لفظی و معنایی سوره

صاحب‌نظران حوزه تفسیر قرآن بر این نکته اتفاق نظر دارند که همان گونه که تکرار در همه متون ادبی امری هدفمند است، تکرارهای متن قرآن نیز امری تصادفی نبوده، بلکه از روی تدبیر و تعمد در جای‌جای آن به‌کار گرفته شده و همواره هدفی بلاغی - معنایی در ورای کاربرد آنها نهفته است. یکی از کارکردهای تکرار در قرآن این است که با مطالعه روشمند آن، می‌توان راهی به‌سوی کشف پیام اصلی سوره گشود. دکتر محمود بستانی بر این عقیده است که یکی از مسیرها برای یافتن وحدت موضوع سوره، توجه به مطلبی است که به‌طور مکرر در سوره تکرار می‌شود (بستانی، ۳/۳۱۱). در یک تقسیم کلی، تکرارهای موجود در سوره‌های قرآن را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد.

۱- **تکرار معنایی یک موضوع:** تکرار پی‌درپی و متناوب یک موضوع خاص و توجه به ابعاد مختلف و مصادیق گوناگون آن در سراسر سوره حاکی از آن است که در این سوره، توجه ویژه‌ای به این موضوع مبذول شده است؛ تا حدی که اگر موضوعی از تکرار چشمگیر و قابل توجهی برخوردار باشد، شایستگی آن را دارد که به موضوع اصلی و محوری سوره تبدیل شود؛ همان گونه که علامه طباطبایی، محور سوره شوری را مسأله وحی دانسته، علت آن را تکرار موضوع وحی در آیات ۳، ۷، ۱۳، ۱۷ و ۵۱ اعلام می‌نماید (طباطبایی، المیزان، ۶/۱۸).

۲- **تکرار لفظی یک عبارت یا آیه:** تکرار برخی از آیات و عبارات نشان از اهمیت آنهاست. توجه به مفهوم آنها می‌تواند راهنمای خوبی برای تشخیص غرض متن و پیام اصلی سوره باشد. نمونه‌های بارز تکرار یک آیه در سوره را می‌توان در سوره‌های



الرحمن، مرسلات، شعراء، قمر، صافات و نمل مشاهده کرد. برای نمونه در سوره مرسلات، آیه ﴿وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾ ده بار تکرار شده و از عذاب بسیار بزرگی که برای منکران دین و تکذیب‌کنندگان خدا در روز رستاخیز وجود خواهد داشت، خبر داده است. بررسی سیاق این سوره و شواهد مختلف موجود در سوره نشان می‌دهد که غرض اصلی این سوره، بیان کیفر سخت منکران دین خدا در روز قیامت است. به این ترتیب، رابطه مستقیمی میان غرض سوره و عبارت پرتکرار آن مشاهده می‌شود.

نقد و بررسی

برای استفاده از عنصر تکرار در یک سوره، باید به این نکته اساسی توجه داشت که هر تکراری، رابطه مستقیمی با غرض سوره ندارد و همیشه تکرار یک واژه و یا حتی یک عبارت یا جمله در سوره، دلیل بر محوری بودن آن نیست. برای تشخیص محوری بودن یا کانونی بودن یک واژه یا یک عبارت و حتی جمله، باید جایگاه آن را در سوره نسبت به واژگان یا عبارات یا جملات دیگر تشخیص دهیم. در صورتی که آن واژه محور سایر عبارات باشد و بقیه عبارات از نظر لفظی یا معنایی به آن ارجاع داده شوند، معیار تشخیص غرض سوره است.

برای نمونه در سوره ناس، واژه «الناس» پنج بار تکرار شده است، اما واژه محوری سوره نیست، بلکه واژه «أعوذ» که بر پناه بردن به خدا اشاره داشته و تنها یک بار در سوره ذکر شده است، واژه کلیدی و محوری سوره است. اما در سوره قدر، به دلیل آنکه عبارت «ليلة القدر» نقش محوری در سوره دارد، با توجه به تکرار معنادار آن در سوره، می‌توان اهمیت و ویژگی‌های شب قدر را غرض سوره دانست؛ زیرا در آیه نخست سوره، سخن از انزال قرآن در شب قدر است، اما از میان دو مفهوم انزال قرآن و شب قدر، آنچه سخن درباره آن ادامه پیدا می‌کند، شب قدر است، نه انزال قرآن، و از همین جا به دست می‌آید که «ليلة القدر» در این سوره واژه کانونی است. این واژه در آیات ۱ و ۲ و ۳ به صراحت ذکر شده و در آیه ۴ و ۵، ضمایر «ها» در «فیها» و «هی» به آن بازگشته است. با توجه به این مطلب، غرض سوره هم در همین راستا تبیین می‌شود.

رهیافت پنجم: کشف غرض سوره از طریق روابط میان متنی سوره‌ها

یکی از رهیافت‌های رایج در کشف غرض اصلی سوره‌ها، توجه به شباهت‌های موجود میان سوره‌هاست. در این رهیافت، هر گونه شباهتی بین یک سوره با سایر سوره‌ها، قرینه‌ای است که مفسر را به اشتراک موضوع و اغراض سوره‌ها راهنمایی می‌کند و گرچه به‌طور دقیق موضوع اصلی سوره را تعیین نمی‌نماید، اما مختصاتی از آن را ارائه می‌دهد و به‌عنوان مؤیدی در ترجیح یک احتمال بر سایر احتمالات کارآیی دارد. مفسرانی که به وحدت موضوعی سوره‌های قرآن اعتقاد داشته‌اند، به تشابهات مختلفی میان دو سوره که در کشف غرض سوره تأثیرگذار است، اشاره کرده‌اند که از این میان، برخی از موارد تا حدی قابل قبول‌تر از سایر تشابهات است. این موارد عبارت‌اند از سوره‌های هم‌سیاق، سوره‌های هم‌سان آغاز، سوره‌های هم‌سان پایان، ارتباط غرض سوره با مضمون آیه پایانی سوره پیشین، سوره‌های متوالی النزول، تناسب غرضی سوره‌های هم‌جوار.

برخی قرآن‌پژوهان معاصر افزون بر تشابهات فوق، به تشابهات بعید دیگری که بین سوره‌ها وجود دارد، اشاره کرده و آنها را نیز دلیلی بر تقارن اغراض سوره‌ها گرفته‌اند. از جمله تسمیه دو یا چند سوره به یک اسم مشترک (مانند زهراوین و معوذتین)، تأکید بر قرائت دو سوره خاص در برخی نمازها، واژه‌های کلیدی مشترک، فراوانی یکی از اسمای نیکوی الهی در چند سوره و اموری از این قبیل را در این ردیف ذکر کرده‌اند. آنها می‌گویند:

«برخی از سوره‌ها را از طریق روابط روشنی که با یکدیگر دارند، می‌توان شناخت. مثل سوره‌های بقره، آل عمران که هر دو دارای حروف مقطعه «الم» بوده، اولی اشاره به تاریخ بنی اسرائیل در دوره حضرت موسی و یهودیان دارد و دومی مسیحیت را از آل عمران که ریشه اصلی این قوم بودند، معرفی می‌نماید. همچنین سوره‌های مکملی همچون جمعه و منافقین (که در رکعات نماز جمعه خوانده می‌شوند)، شمس و لیل (بیان تضادها)، تکویر و انفطار (بیان تحولات پایانی جهان)، فیل و قریش (تاریخ قریش در مکه)، ناس و فلق (معوذتین)، انشراح و ضحی (دو سوره تسلی‌بخش رسول خدا که در نماز توأمان قرائت می‌گردند)، مزمل و مدثر (فرامین اولیه به رسول الله) و... پیوند محدودی را حداقل میان دو سوره نشان می‌دهند.» (بازرگان، ۸)

نقد و بررسی

بی‌شک اگر بخواهیم شباهت‌های موجود میان سوره‌های قرآن را فهرست نماییم، می‌توان درباره انواع شباهت‌ها، چندین کتاب به رشته تحریر درآورده و شباهت‌های بسیاری را نام ببریم؛ از جمله شباهت در مکان نزول یا زمان نزول (شب، روز، تابستان، زمستان و ...)، شباهت در نزول دفعی یا تدریجی، شباهت در آیات مشترک‌المضامین، شباهت در فضایل و اما درباره اینکه کدام یک از این شباهت‌ها ما را به اغراض سوره‌ها و موضوع اصلی می‌رساند و کدام یک با غرض سوره هیچ ارتباطی ندارند، باید جداگانه بحث نمود. به عبارت دیگر، نه می‌توانیم به شباهت‌ها و تناسب سوره‌ها بی‌اعتنا باشیم، و نه می‌توانیم یکسره آنها را بپذیریم و بگوییم هر شباهتی دلالت آشکاری بر اشتراک اغراض سوره‌ها دارد، بلکه تنها از طریق کاوش و استدلال علمی می‌توان به وجود رابطه معنادار بین اغراض سوره‌ها و شباهت آنها پی برد. به این منظور لازم است قبل از هر گونه اقدامی، تشابهات میان سوره‌ای را بررسی کرده و میزان تأثیرگذاری آنها را در شناسایی غرض سوره ارزیابی می‌کنیم و سپس از آن دسته از آنها که از مقبولیت بیشتر و استدلال علمی قابل توجهی برخوردار هستند، در فرآیند کشف غرض مورد استفاده قرار دهیم. مهم‌ترین معیار برای شناسایی تشابهات مؤثر در کشف غرض یک سوره این است که این تشابه به وحدت سیاق دو سوره اشاره داشته باشد. به بیان دیگر، تنها در صورتی که دو سوره از نظر سیاق آیات و مطالب کانونی با یکدیگر مشابه باشند، می‌توان از تشابه آنها برای کشف غرض سوره استفاده نمود.

رهیافت ششم: توجه به عناصر برون‌متنی سوره

هر سوره قرآن افزون بر عناصر درون‌متنی، از عناصر دیگری نیز بهره‌مند است که گرچه خارج از متن سوره قرار دارند، اما بر جهت‌گیری محتوای سوره تأثیر گذاشته و با غرض و پیام اصلی آن ارتباط دارند. تأثیرگذارترین عناصر برون‌متنی سوره‌ها عبارت‌اند از اسم سوره، فضایل و خواص سوره‌ها و فضای نزول سوره. مفسرانی که به کشف غرض سوره اهتمام داشته‌اند، درباره میزان اثرگذاری این عناصر در کشف غرض سوره‌ها اختلاف نظر دارند، از این‌رو در ادامه با نقل دیدگاه‌های مختلف، تلاش می‌کنیم میزان اعتبار هر یک از این عناصر را در فرآیند شناسایی غرض سوره، بررسی و ارزیابی نماییم.

نخستین عنصر برون‌متنی که مورد توجه مفسران قرار گرفته، اسم سوره است. برخی مفسران تأکید دارند که اسامی سوره‌های قرآن ارتباط عمیق و محکمی با مقصود و غرض اصلی سوره داشته و اصولاً اسم سوره، آینه تمام‌نمای اغراض آن است. نخستین تفسیری که به این مسأله به‌طور کامل توجه نموده است، تفسیر «نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور» است. بقاعی که تفسیر خود را به منظور یافتن ارتباط بین آیات نگاشته، معتقد است باید ابتدا مقصود و غرض اصلی سوره را مشخص کرد و بهترین راه برای رسیدن به این هدف، توجه به نام سوره است (بقاعی، ۱۸/۱). سیدبن قطب دومین مفسری است که برای رسیدن به غرض اصلی سوره، از اسم سوره استفاده کرده است. ایشان موضوع سوره محمد را قتال و جهاد در راه خدا می‌داند و این موضوع را برگرفته از نام دیگر این سوره که «قتال» است، می‌داند (سیدبن قطب، ۲۴۵۲/۴).

دومین عنصر برون‌متنی که برای کشف غرض سوره‌ها مورد توجه مفسران واقع شده است، فضایل و خواص سوره‌هاست. برخی مفسران همچون یعسوب‌الدین جوینی، صاحب تفسیر «البصائر» و البقاعی، صاحب تفسیر «نظم الدرر»، به تناسب و هماهنگی بین فضیلت و خواص سوره با غرض آنها گرایش یافته‌اند و در برخی از موارد، از فضیلت سوره برای کشف غرض آن سود جست‌ه‌اند (جوینی، ۲۵۳/۴۱؛ بقاعی، ۲۱۶/۲۰).

سومین عنصر برون‌متنی سوره که از نگاه برخی از مفسران در شناسایی غرض آن تأثیرگذار است، فضای نزول سوره است. فضای نزول شرایط ویژه‌ای است که در مدت نزول یک سوره، در جامعه عصر نزول وجود داشته است. ترسیم فضای نزول سوره به معنای کشف و پرده‌برداری از این رخدادها و شرایط و تبیین آن در آغاز هر یک از سوره‌ها خواهد بود (جوادی آملی، ۲۳۶/۱).

برخی از مفسران معتقدند هر سوره قرآن دارای یک فضای نزول ویژه است که با توجه به بدان، می‌توان به غرض سوره راه یافت. زیرا فضای نزول حاکی از چالشی است که سوره در صدد مواجهه با آن است و این امر، همان غرض و هدف اصلی از نزول سوره است. آیت‌الله جوادی آملی معتقد است یکی از راه‌های تشخیص هدف و جهت سوره، توجه به فضای نزول سوره است؛ زیرا میان فضای نزول هر سوره‌ای و معارف آن، ارتباط تنگاتنگی برقرار است و نه تنها فضای نزول سوره بر جهت‌دهی معارف

سوره اثرگذار است، بلکه متقابلاً معارف سوره نیز متناسب با فضای نزول سوره، تفسیر و تبیین پیدا خواهند کرد (همان، ۵۴/۲).

علامه طباطبایی نیز با تکیه بر فضای نزول سوره آل عمران، درباره هدف اصلی این سوره می‌گوید:

«غرض اصلی از این سوره، دعوت نمودن مؤمنان است به اینکه در حمایت دین الهی توحید کلمه داشته باشند؛ زیرا این سوره در شرایطی نازل شده است که یهود و نصارا و مشرکین و سایر دشمنان قسم خورده اسلام و مسلمانان، هر یک به روشی قصد خاموش کردن چراغ اسلام را داشتند، از این رو خدای سبحان از مؤمنان می‌خواهد که در برابر دشمن قیام کرده و صبر و ثبات قدم را شعار خود سازند.» (طباطبایی، المیزان، ۲/۳)

سیدین قطب صاحب تفسیر «فی ظلال القرآن» نیز در ابتدای هر سوره، قبل از آغاز تفسیر، شرح مفصلی درباره مسائل تاریخی نزول ارائه می‌دهد و از این طریق، سیمایی متشکل و مرتبط از شخصیت سوره ارائه می‌نماید و با تکیه بر فضای نزول سوره، به غرض سوره راه می‌یابد (سید قطب، ۲۸/۱).

نقد و بررسی

توجه به عناصر برون‌متنی در کشف غرض سوره بر این اصل استوار است که هر سوره از ابتدای نزول، دارای غرضی مشخص بوده و همه عناصر برون‌متنی سوره متناسب با آن غرض اصلی، سامان‌دهی شده‌اند، از این رو عناصری مانند اسم سوره، فضایل سوره و فضای نزول آن، رابطه معناداری با غرض سوره دارند. گرچه اصل این سخن قابل قبول است، اما باید توجه داشت رابطه میان همه عناصر برون‌متنی با غرض سوره، از یک درجه از اعتبار برخوردار نیست و استفاده از عناصری که از اعتبار لازم برخوردارند نیز مشروط به رعایت ضوابط و قواعد ویژه‌ای است.

برای نمونه، بهره‌گیری از نام سوره برای راهیابی به غرض سوره نیازمند تحقق چند شرط است که طرفداران به‌کارگیری این راهکار برای هیچ یک از آن شروط، دلیل قطعی و اطمینان‌آوری ارائه نکرده‌اند. نخستین شرط این است که ابتدا باید توقیفی بودن اسامی سوره‌ها ثابت شود، آن‌گاه می‌توان به دنبال کشف اسرار و رموز اسامی قرآن، به

کاوش پیرامون رابطه اسم سوره و غرض آن پرداخت. در حالی که نظر مشهور در میان قرآن‌پژوهان این است که سوره‌ها در عصر پیامبر به این نام‌ها شهرت یافته‌اند، اما دلیلی بر اینکه این اسامی از سوی خدا بر سوره‌ها نهاده شده است، وجود ندارد (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۲۱۹).

شرط دوم بهره‌مندی از نام سوره‌ها این است که اصول و قواعدی منطقی و علمی برای کشف غرض سوره از اسم آن ارائه شود، نه آنکه بر اساس حدس و گمان، اسامی سوره‌ها را به هر شکل ممکن و بدون ارائه شواهد و دلایل قابل قبول، به غرض سوره و پیام اصلی آن مرتبط نماییم. اما تاکنون کسی نتوانسته است این مسأله را ضابطه‌مند کند. برای استفاده از فضایل و خواص سوره‌ها در کشف غرض سوره نیز ابتدا لازم است احادیث صحیح و اصیلی که درباره خواص سوره‌ها نقل گردیده، از روایات جعلی شناسایی کنیم که این امر کار بسیار دشواری است. از این رو اگر پژوهش گسترده‌ای در زمینه اغراض سوره‌ها و فضایل آنها به عمل آمده و با دقت و وسواس به مقایسه و ارزیابی آنها پرداخته شود، با اطمینان بیشتری می‌توان درباره رابطه مستقیم و منطقی بین غرض سوره و فضایل آن سخن گفت. در آن صورت نه تنها می‌توان از فضایل یک سوره به غرض اصلی آن راه یافت، بلکه چه بسا با کمک سوره‌های هم‌فضیلت، بتوان غرض سوره دیگر را تشخیص داد و گام مؤثری برای کشف اهداف و مقاصد سوره‌ها برداشت.

اما درباره رابطه فضای نزول سوره با غرض آن لازم است به این نکته توجه نمود که گرچه شناسایی فضای نزول سوره کمک شایان توجهی به کشف غرض سوره می‌نماید، اما به شرط آنکه بتوان فضای نزول را به روشی علمی و قابل اعتماد شناسایی کرد. برای ترسیم فضای نزول یک سوره لازم است به همه شواهد درون‌متنی و برون‌متنی سوره که بیانگر شرایط نزول و چالش‌هایی که سوره در صدد پاسخ گفتن به آنهاست، توجه نمود. از جمله باید به حوادثی که در آستانه نزول سوره واقع شده است، مانند پیروزی یا شکست مسلمانان، جدیدترین شبهاتی که دشمنان اسلام در رابطه با معارف قرآن مطرح نموده‌اند، شرایط فرهنگی جامعه و سایر اتفاقاتی که برای مسلمانان و دشمنان در آستانه نزول سوره رخ داده، توجه شود. به این منظور لازم است از منابعی مانند محتوای سوره‌هایی که قبل از سوره مورد بحث نازل شده، روایات اسباب نزول، روایات سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و منابع تاریخ اسلام استفاده نمود. رکن اساسی

در شناسایی بیشتر مؤلفه‌های مؤثر در ترسیم فضای نزول این است که بتوان ترتیب نزول سوره و تاریخ نزول آن را به دقت مشخص نمود. اما با توجه به اینکه تاکنون روشی قطعی و صددرصد برای این امر ارائه نشده است، فرآیند کشف فضای نزول با چالشی مهم مواجه شده است.

رهیافت هفتم: رویکرد جامع به کشف غرض سوره‌ها

برای اینکه با استناد به دلایل و براهین منطقی به غرض سوره دست یابیم، باید از اصول و قواعدی که کشف غرض را روشمند کرده و ضریب اعتماد به این کشف را بالا می‌برد، کمک بگیریم. به این منظور باید با نگاهی جامع، از همه رهیافت‌های درون‌متنی و برون‌متنی مؤثر در کشف غرض سوره استفاده نمود و با رهیافتی کاملاً استدلالی، سایر غرض‌های احتمالی دیگر را نقد و ارزیابی کرد.

در رهیافت جامع برای کشف غرض سوره، با توجه به دو قاعده علمی، یعنی میزان اعتبار عوامل مؤثر در کشف غرض و میزان تأثیرگذاری هر عامل در شناسایی غرض سوره‌ها، به اولویت‌بندی رهیافت‌های کشف غرض می‌پردازیم و سپس با توجه به میزان اعتبار هر یک از رهیافت‌ها، از آنها در فرآیند کشف غرض سوره استفاده می‌کنیم. در این رویکرد برای راهیابی به غرض سوره، با رعایت قواعد و ضوابطی که بر اصول محاوره عقلایی مبتنی هستند، مراحل زیر را طی می‌کنیم.

در گام نخست با توجه به اصول و قواعد شناسایی پیوستگی آیات، به سیاق‌بندی سوره و دسته‌بندی آیات آن می‌پردازیم. در این گام به همه عوامل پیوستگی نحوی، اسلوبی و معنایی توجه نموده و هر دسته از آیات مرتبط را در یک گفتار قرار می‌دهیم. در گام دوم با توجه به ارتباط آیات درون گفتارها، به عنوان‌گذاری آنها می‌پردازیم. در این مرحله باید به این نکته توجه داشت که رهیافت عنوان‌گذاری گفتارهایی که مشتمل بر آیات اصل و فرع است، با گفتارهایی که مشتمل بر آیات هم‌تراز است، متفاوت می‌باشد.

در گام سوم با توجه به روابط میان عناوین گفتارها، آنها را باهم ترکیب کرده، فصول و بخش‌های سوره را تشکیل می‌دهیم.

در گام چهارم با جمع‌بندی عناوین موجود در سطح نخست دسته‌بندی آیات سوره مانند گفتارها، فصل‌ها یا بخش‌ها، و با توجه به رابطه اصل و فرع بودن میان آنها یا مفاهیم مشترک در عناوین این سطح، به کشف غرض سوره می‌پردازیم.

در گام پنجم با توجه به همه عوامل معتبر در کشف غرض سوره، غرضی را که از طریق جمع‌بندی عناوین گفتارها به دست آمده است، ارزیابی می‌کنیم. در این مرحله با توجه به مشترکات لفظی و محتوایی گفتارها، مانند تکرار معنایی یک موضوع به روش‌های مختلف در سوره، تکرار معنایی یک مضمون، تکرار لفظی یک عبارت یا آیه و محورهای مشترک داستان‌های سوره و توجه به عناصر درون‌متنی سوره، مانند آیات آغازین و پایانی سوره، سوگندهای سوره و توجه به عناصر برون‌متنی سوره، مانند اسم سوره، فضایل و خواص سوره‌ها، فضای نزول سوره و توجه به آن دسته از روابط میان سوره‌ها که اعتبار آنها در کشف غرض ثابت شده است، مانند تناسب غرضی سوره‌های هم‌سیاق، تناسب غرضی سوره‌های هم‌سان آغاز و تناسب غرضی دو سوره هم‌سان پایان، به بررسی غرض کشف شده پرداخته و فرآیند کشف آن را مستدل می‌سازیم.

در گام ششم، اغراض و اهداف دیگری را که توسط مفسران مطرح شده است، گزارش نموده و با استفاده از قواعد و فرآیند کشف غرض، به ارزیابی آنها پرداخته و از غرض کشف شده دفاع می‌کنیم.

این رهیافت از دو جهت بر رهیافت‌های دیگر ترجیح دارد: نخست آنکه بر خلاف رهیافت‌های دیگر، به جای تکیه بر عناصر فرعی و جانبی سوره، بر محتوای سوره و سیاق لفظی و معنایی آن تکیه دارد. دوم آنکه در این رهیافت، برای کشف غرض، به همه عناصر درون‌متنی و برون‌متنی سوره و جهت‌گیری محتوایی آیات توجه می‌شود و نه از برخی عوامل مؤثر در کشف غرض سوره غفلت می‌شود، و نه به برخی از رهیافت‌ها، ارزش و اعتبار بیش از اندازه‌ای داده می‌شود.

نتیجه‌گیری

در میان مفسرانی که به وجود محور واحد یا غرض اصلی سوره اعتقاد دارند، دو رویکرد توصیفی و استدلالی برای شناسایی غرض سوره وجود دارد. در رویکرد توصیفی، مفسر با مطالعه آیات هر سوره، تلاش می‌کند با روح حاکم بر سوره ارتباط برقرار نموده و موضوعی را که در جای‌جای سوره به آن اشاره شده و سوره تأکید بیشتری بر آن دارد، با عبارتی کلی به‌عنوان غرض سوره مشخص نماید. اما در رویکرد استدلالی، مفسر تلاش می‌کند با تکیه بر شواهد درون‌متنی و برون‌متنی، غرض سوره را کشف نموده، کیفیت راهیابی خود را به غرض سوره به‌طور مستدل و ضابطه‌مند بیان نماید. با توجه به اینکه رویکرد توصیفی بیش از هر چیز به سلیقه و ذوق مفسر مرتبط است تا دلایل علمی، از این‌رو بدون تردید رویکرد استدلالی بر رویکرد توصیفی ترجیح دارد.

مفسرانی که با رویکرد استدلالی به کشف غرض سوره‌های قرآن پرداخته‌اند، از رهیافت‌هایی مانند دسته‌بندی روشمند آیات، حذف استطرادها، تحلیل عناصر متنی سوره، بررسی تکرارهای لفظی و معنایی سوره، توجه به روابط میان‌متنی سوره‌ها و توجه به عناصر برون‌متنی سوره برای کشف غرض سوره استفاده کرده‌اند. هر یک از این رهیافت‌ها با رعایت شرایطی، به شناسایی غرض سوره کمک می‌کنند، اما با استفاده از هر کدام از آنها به تنهایی، نمی‌توان به‌طور قطعی و صددرصد غرض سوره را کشف کرد. از این‌رو بهترین رهیافت برای کشف استدلالی غرض سوره، رهیافت جامع است که اولاً به همه عوامل مؤثر در کشف غرض سوره توجه دارد، و ثانیاً هیچ عاملی را به‌طور مطلق و بدون توجه به میزان اعتبار آن در فرآیند کشف غرض سوره به‌کار نمی‌برد، بلکه برای راهیابی به غرض سوره، با رعایت قواعد و ضوابطی که بر اصول محاوره عقلایی مبتنی است، از عوامل مؤثر در کشف غرض سوره بهره می‌برد.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. الهی‌زاده، محمدحسین؛ درسنامه تدبیر ترتیبی در سوره‌های قرآن کریم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۹۴ش.
۳. اخلاقی، اکبر؛ تحلیل ساختاری منطق الطیر، اصفهان، انتشارات فردا، ۱۳۷۷ش.

۴. آقایی، سید علی؛ «انسجام قرآن از نظریه تا عمل: مقایسه رهیافت تفسیری فراهی - اصلاحی و حوی»، کتاب ماه دین، شماره ۱۴۴، مهر ۱۳۸۸، ص ۷۱-۷۹.
۵. بازرگان، عبدالعلی؛ نظم قرآن، تهران، نشر قلم، ۱۳۷۲ ش.
۶. بستانی، محمود؛ التفسیر البنائی للقرآن الکریم، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۲۴ ق.
۷. بقاعی، ابراهیم بن عمر؛ نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۸. جوادی آملی، عبدالله؛ تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸ ش.
۹. جویباری، یعسوب‌الدین؛ البصائر، بی‌جا، انتشارات مکتب آیت‌الله یعسوب‌الدین رستگار جویباری، ۱۳۶۱ ش.
۱۰. خرقانی، حسن؛ «جستاری در تکرار بندهای قرآنی»، قرآن شناخت، شماره اول، سال پنجم، پیاپی ۹، ص ۷۵-۱۰۰.
۱۱. حوی، سعید؛ الاساس فی التفسیر، قاهره، دار السلام، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. خامه‌گر، محمد؛ ساختار هندسی سوره‌های قرآن، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲ ش.
۱۳. سیاوشی، کرم؛ تحلیل انتقادی مبانی و رهیافت تفسیری سید قطب در فی ظلال القرآن، تهران، چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۹ ش.
۱۴. شاذلی، سیدین قطب؛ فی ظلال القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۶ ق.
۱۵. صابونی، محمدعلی؛ قیس من نور القرآن الکریم، دمشق، دار القلم، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
۱۷. طباطبایی، سید محمدحسین؛ قرآن در اسلام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ ش.
۱۸. غضنفری، محمد؛ «نگاهی به تکرارهای واژگانی قرآن از منظر زبان‌شناسی نقشی سازگاری و دشواری ترجمه این گونه عناصر»، مجله مطالعات زبان و ترجمه، شماره دوم، پاییز ۱۳۸۹ ش، ص ۷۶-۵۷.
۱۹. گلجانی امیرخیز، ایرج؛ نگرش سیستمی به ساختار سوره‌های قرآن، بی‌جا، نشر ماهرنگ، ۱۳۸۴ ش.
۲۰. مطیع، مهدی؛ پیوستگی معنایی آیات در سوره قرآن کریم و راه‌های مطالعه آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، سال دفاع ۱۳۷۹ ش.